

غرب و غرب‌زدگی در اندیشه دکتر داوری؛ با تکیه بر ملاحظات اخذ و اقتباس مقولات غرب جدید

رضا دهقانی*

چکیده

یکی از مهم‌ترین موضوعات اندیشه دکتر داوری غرب و غرب‌زدگی و شرایط مواجهه و اخذ و اقتباس از غرب است. وی در نگاه کلی گرایانه خود غرب را دارای هویت می‌داند.ⁱ به نظر ایشان در مواجهه با آن نمی‌توان گزینشی عمل کرد و مثلاً چیزهایی را از آن اخذ کرد و چیزهای دیگری را طرد کرد.ⁱⁱ به نظر داوری غرب یا غربی‌شدن تقدیر جمعی ماست،ⁱⁱⁱ اما آن چه اهمیت دارد توجه به مبانی و اصول غرب در مواجهه با آن است. در مواجهه با این امر کلی بحث در دموکراسی، آزادی، و توسعه از اهمیت محوری برخوردار است. وی دموکراسی جدید غرب را نوعی دموکراسی مجازی^{iv} و البته ناگزیر می‌داند که مبتنی بر حق طبیعی است و اساساً داوری ما را به توجه به مبادی این دموکراسی تذکر می‌دهد. داوری خود را منتقد دموکراسی غربی دانسته است، اما نقد خود را نه مبتنی بر مبانی ایدئولوژیک خاص بلکه ناظر به امید و امیدواری به ظهور تفکر معنوی تلقی می‌کند. اما آزادی نیز به نظر وی نه بی‌قید و شرط، بلکه حقیقت و به تعبیری عبودیت است.^v داوری تعبیر و قرائت فاشیستی از نظریه‌اش در باب آزادی را ناشی از خلط مراتب سیاست و فلسفه می‌داند. در باب توسعه، وی توسعه را رشد و پیشرفت علم و برقراری نظام روابط و مناسبات خاصی می‌داند^{vi} و این نظم، نظم جهانی و واحد است و لذا همگی در نهایت به یک مقصد می‌رسیم که همان جهان وهمی تکنیکی است. این مقاله را داوری بررسی کرده است و نظرات ایشان عیناً و به ترتیب ذکر شده توسط ایشان در پی‌نوشت آورده شده است، لذا همه پی‌نوشت‌ها از ایشان است.

کلیدواژه‌ها: داوری، غرب، غرب‌زدگی، تجدد، مواجهه^{vi}، دموکراسی، آزادی، مدرنیته.

ⁱ البته مسئله اصلی هویت غرب نیست. مسئله این است که تاریخ سفره گسترده‌ای است که هرکس از راه برسد هرچه بخواهد از آن بردارد و تناول کند. همه اقوام همیشه امکان‌های برابر ندارند و مثلاً علم را در حد استعدادها و امکان‌های فرهنگی، اقتصادی، و اجتماعی خود فرامی‌گیرند. آزادی و اختیار بشر هم مسلم است، اما معنی اختیار و آزادی این نیست که آدمی فرمان‌روای تاریخ است و هرچه بخواهد می‌کند. تاریخ با میل و سلیقه اشخاص و گروه‌ها قوام نمی‌یابد.

ⁱⁱ در صورتی گزینش امکان دارد که با عقل تجدد یگانه شویم. ولی در آن صورت شاید دیگر گزینش معنایی نداشته باشد بلکه ترجیح و تقدیم و رعایت موقع و مقام میسر شود.

ⁱⁱⁱ معنی سخن آن نیست که ما محکوم به غربی‌شدنیم و بخواهیم و نخواهیم غربی می‌شویم، بلکه اکنون تاریخ همه جهان تاریخ غربی است. اقوام توسعه نیافته هم همگی دل‌بسته توسعه‌اند. به این جهت در محدوده تاریخ تجدد قرار می‌گیرند، اما ضرورتاً متجدد نمی‌شوند زیرا متجددشدن متوقف به فراهم شدن شرایط خاص است. تجدد همه را به سوی خود می‌خواند اما واجدان شرایط را به خود راه می‌دهد.

* پژوهش‌گر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و دانشجوی دکتری فلسفه تطبیقی دانشگاه علامه طباطبائی

rezadehqani2008@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۶/۲۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۹/۲۰

-
- iv. دموکراسی کنونی بهترین صورت دموکراسی است. من با دموکراسی مخالف نیستم بلکه با تحویل آن به یک مفهوم انتزاعی و مطلق دانستنش مخالفم و البته هرگز نگفتم که این دموکراسی مجازی است. دموکراسی مجازی دموکراسی‌ای است که می‌خواهند در عراق و افغانستان و تونس و یمن و مصر و اردن و مراکش و بحرین و سوریه برقرار کنند.
- v. آزادی و حقیقت و عبودیت در معانی رسمی‌شان با هم هیچ نسبتی ندارند و اگر هریک از این الفاظ را در مفهوم رایج‌شان در نظر آورید سخن مرا در نمی‌یابید. عبودیت در نظر من آزادشدن از دنیا و عقبی و از هر قید و بند و تعصب است و کم‌تر کسی را می‌شناسیم که زهره ورود در آن را داشته باشد. این چنین تسلیم‌بودن به حق با حرف‌ها و اعمال رسمی و داعیه‌ها و اعمال قهر و ... محقق نمی‌شود. حقیقت هم نه حقیقت علمی بلکه برداشته‌شدن حجاب و گشایش افق آینده است. این حقیقت با پژوهش‌های معمول و متداول کشف و محقق نمی‌شود. شنیدنی هم نیست بلکه رسیدنی است، اما آزادی با یافت حقیقی ملازمت دارد. با این یافت می‌توان از قید و بندها و رسوم غالب و اندیشه و گفتار مسلط آزاد شد. این آزادی را ابتدا شاعران و متفکران درک می‌کنند و بشارت آن را به دیگران می‌دهند و در این وضع مردمان هم بوی آزادی را کم و بیش استشمام می‌کنند.
- vi. من توسعه را توسعه اقتصادی و اجتماعی و تکنولوژیک می‌دانم و از برقراری نظام و روابط و مناسبات خاص حرفی نزده‌ام مگر آن‌که مراد از نظام خاص همان نظام تجدد یا شبه تجدد باشد.
- vii. هر جا مواجهه گفته‌ام، مرادم مواجهه سیاسی نبوده است، مع‌هذا وقتی در تاریخ به تجددهایی نظر می‌کنم در هیچ‌جا مواجهه فکری، که صورت اصیل آن دیالوگ است، ندیده‌ام. تسلیم و قبول و رد و مخالفت نیندیشیده فراوان است. چنان‌که می‌توان بارزترین وجه این مواجهه را قبول رسوم فکری و عملی غرب با اما و اگرهای پر سر و صدا و میان‌تهی دانست.